

سکه های غطریفی

شادروان عبدالله عقیلی

□ گروهی از سکه های معروف به عرب - ساسانی ، سکه هایی هستند که از سال ۱۵۸ تا ۲۰۰ هجری قمری و در زمان خلافت بنی عباس در بخارا ضرب شده اند. این مسکوکات از سکه های بهرام پنجم ساسانی تقلید شده اند با این تفاوت که نام شاهنشاه ساسانی و محل و تاریخ ضرب آن ها از پشت و روی سکه حذف شده و بجای آن کلمه ای به خط سغدی نوشته اند که محققین به اختلاف "بخارا خدات" و بخارا خودکاناً خوانده اند.

این سکه ها که ظاهراً براساس درهم ضرب شده اند، بسیار پست و کم عیارند؛ آنچنانکه نظر یعقوبی را که نوشته است: "درهم هاشان شبیه مس است" تأیید می کنند.

بحث درباره ی سکه های دوزبانی یا عرب ساسانی بخارا که در محافل سکه شناسی به مسیبی و محمدی و غطریفی موسومند بسیار مفصل و از منظور نویسندگانی که توضیحی درباره ی نام غطریفی و وجه تسمیه آن است، خارج است.

در دورانی که مورد بحث ماست خرید پوست های گران بها از سرزمین های سردسیر شمالی و سبیری (یا به قول رحله نویسان: سرزمین ظلمات) و فروش آنها در شهرهای معتبر خراسان و ری و بیش از همه دربار خلافت بغداد تجارتی بسیار پر سود بود که وارد کنندگان در مقابل آن درهم نقره می پرداختند و چون با خروج روزافزون این مسکوکات (که گنجینه های پیدا شده در کشورهای اسکانندیناوی شاهد آنست) پیوسته نقره کمیاب تر و گران تر می شد، دستگاه های دولتی حسب المعمول همه ی دوران ها در تاریخ سکه شناسی، مستمراً از عیار مسکوکات کاسته و بر بار آن ها می افزودند تا کم کم کار به جایی رسید که دیگر فروشندگان پوست از قبول درهم های بخاری خودداری می کردند.

به سال ۱۸۵ هجری قمری که غطریف بن عطاء (یا عتاب) دایی هارون الرشید به حکومت خراسان منصوب شد بازرگانان بخارائی و سمرقندی اصلاح مسکوکات کم ارزش بخارا را از او خواستار شدند و او بضر سکه هایی اقدام کرد که بنام او به درهم غطریفیه شناخته شدند هر چند که به شهادت نمونه های موجود گرهی از کار فرومانده بازرگانان نگشودند چون هر ۶ عدد از آنها معادل بود با یک درهم سنگ نقره ۲

نرشخی در این باب شرحی دارد که خلاصه ی آن چنین است: چون نقره در بخارا کمیاب و بسیار گران شده بود و مردم به پول نقره علاقه داشتند، غطریف بن عطاء والی خراسان همه را جمع کرد تا در این باب مشورت کنند و نتیجه مشاوره آن شد که سکه جدیدی از ۶ جزء طلا و نقره و آهن و مس و سرب و مشک (؟) ترکیب و بنام او

ضرب کنند و این همان سکه ییست که غطریفی (یا به تلفظ عربی غطریفی) نامیده شد (۳) و اضافه می کند که پول قدیمی بخارا از نقره ی خالص بود در حالی که این سکه ها سیاه می شدند. اما به قول واکر جز این قسمت اخیر که مربوط به سیاه شدن سکه ها و در واقع خاصیت همه مسکوکات ولات عرب در بخاراست، بقیه مطالب نرشخی افسانه یی بیش نیست.^۴

مقدسی نیز در این باب افسانه ی دیگری دارد. او می نویسد: "خراج بخارا یک میلیون و یکصد و شصت و شش هزار و هشتصد و نود و هفت درم غطریفی است. سه برادر به نام های محمد و مسیب و غطریف این درهم ها را سکه زده بودند که مانند فلوس سیاهند و جز در «هیطل» صرف نمی شوند و از درهم های سفید برتری دارند(؟)^۵ در حالی که می دانیم سه شخصیتی که او نام برده سه نفر از ولات خراسانند که در سال های مختلف در آن ناحیه حکومت کرده و برادر هم نبوده اند.

محل ضرب این سکه ها معلوم نیست ولی واکر از نرشخی نقل می کند که طرداً للباب می گوید سکه های غطریفی در گوشک ماخک ضرب می شدند ولی محل آن را به درستی معرفی نکرده است؛^۶ اما درباره ی کلمه ی ماخ روایات گوناگونی وجود دارد. سمعانی از مسجد ماخ یاد کرده و می گوید همه ی آن محل را که مسجد در آن است، ماخ می خوانند و ماخ نام مجوسی بود که مسلمان شد و خانه ی خود را مسجد ساخت ولی بنا به گفته ی ابوالحسن نیشابوری در خزائن العلوم، ماخ نام پادشاه بخارا بوده است.

فرای در یادداشت های خود می نویسد دو مسجد به نام ماخک در بخارا وجود داشته یکی در بازار عطرها و یکی در کورپی (KURPI)^۷

بنابراین غطریف که به عربی غطریف تلفظ می شود، برخلاف آن چه از **برهان قاطع** نقل شده نام شهر یا محیطی نیست بلکه نام امیری است که این سکه ها در زمان حکومت او در بخارا ضرب شده ولی از نظر سکه شناسی نه چنین سکه ای با ترکیبی که نرشخی نوشته وجود دارد و نه سکه ای که نام غطریف بر آن باشد، دیده شده است. عیار و بار آن هم نشان می دهد که سکه ای کم ارزش و بی اعتبار بوده و فقط در حدود سمرقند و بخارا یا بقول مقدسی در سرزمین هیاطله به حکم حکومتی رواج داشته و اشاره ی خاقانی هم به همین مطلب است که می گوید: «این سمرقند نیست بغداد است / نقد او غدرفی نمی شاید.» ■

پی نوشت ها

- ۱- البلدان، یعقوبی، ص ۶۹
- ۲- JOHN WALKER, ARAB-SASSANIAN COINS P.CII
- ۳- تاریخ بخارا، نرشخی، تصحیح و تحشیه ی مدرس رضوی، ۵۰ و ۵۱
- ۴- جان واکر، همان جا
- ۵- **حسن التعلیم**، ترجمه منزوی ۴۹۷ (باعث تعجب است که خود می نویسد مانند فلوس سیاهند و باز می گوید از درهم های سفید برتری دارند.)
- ۶- جان واکر، همان جا
- ۷- تاریخ بخارا ۱۹۹ و ۲۰۰

(با تشکر از آقای مهندس حسین جلی که متن دست نویس این مقاله ی دوست فقید مشترکمان را مرحمت فرمودند. ح. ا.)